

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۵

## توقیت از دیدگاه علامه بهاری همدانی (م ۱۳۳۳ق) بر پایه رساله «قامعة اللجاج»

احمد رنجبری حیدر باغی<sup>۱</sup>

حمید حاج امینی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از آسیب های جدی جامعه مهدی باور، وقت گذاری (توقیت) برای ظهور امام مهدی عج است. در منابع مهدوی، روایات متعددی در نکوهش تعیین وقت برای زمان ظهور امام مهدی عج وجود دارد. با این حال، شماری درخور توجه از وقت گذاری، در منابع مکتوب یافت می شود و جریان توقیت گر، گاه دست به توقیت می زند. به جز روایات، آثاری دیگر در رویارویی با جریان تعیین وقت ظهور امام مهدی عج وجود دارد که توسط دانشمندان اسلام با رویکردهای حدیثی، فقهی، کلامی و... به نگارش درآمده است. این آثار بیشتر به صورت ماده کتابخانه ای نسخه خطی، در کتابخانه های دارای نسخ خطی یافت می شود. علامه محمدباقر بهاری همدانی (م ۱۳۳۳ق) سه اثر در مواجهه با جریان توقیت گرا تألیف کرده است. یکی از آثار وی در موضوع محال بودن توقیت است که تا کنون مفقود مانده و دست نویسی از آن کشف نگردیده. دیگری در موضوع تبیین حکمت عدم تعیین ظهور است و سومین اثر وی با نام *قامعة اللجاج* در رد توقیت به شیوه کلامی و عقلی تألیف شده که نویسنده در نوشتار پیش رو، اصناف توقیت کنندگان، علم امامان علیهم السلام به زمان

۱. کارشناس ارشد کلام شیعه دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) (a.r.heydarbaqi@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب.

ظهور، عدم توانایی شناخت و تعیین زمان ظهور توسط انسان (غیر از نبی و امام)، شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق عموم روایات «علایم ظهور»، شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق روایات «پرشدن جهان از ظلم» و سرانجام، شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق روایات «مشمتمل بر حسابات جفری» را از دیدگاه علامه بهاری بر اساس *قامعة اللجاج* بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی

محمدباقر بهاری همدانی، توقیت، ردیه نویسی، نسخ خطی مهدوی، *قامعة اللجاج*.

### نگاهی به زندگی و فعالیت علمی علامه بهاری

محمد باقر بن محمد کافی بن محمد یوسف، معروف به محمد باقر بهاری در روز آخر ذی‌حجه سال ۱۲۷۷ ق (امین، ۱۴۰۳: ج ۳، ۵۳۷) در روستای بهار همدان به دنیا آمد.<sup>۱</sup> وی در کودکی به علت ناتوانی در فراگیری از مکتب اخراج می‌شود (همو؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ذیل بهاری همدانی) اما تقدیر چنان بود که ایشان بعدها جزء علمای بزرگ همدان شود. خاندان مرحوم بهاری از علمای دین بودند؛ جدّش فقیهی عالم به شمار می‌آمد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ج ۳، ۵۱۴، ذیل بهاری، محمدباقر)؛ چنان‌که برادرش محمد رضا از فحول علمای نجف بود (امین، ۱۴۰۳: ج ۳، ۵۳۷). محمد باقر تحصیلات ابتدایی خود را نزد پدر و برخی دیگر از علمای بهار فرا گرفت. سپس به همدان آمد و در مدرسه آخوند ملا حسینی همدانی نزد محمد اسماعیل همدانی به فراگیری علم پرداخت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ج ۴، ۷۱۹، ذیل بهاری، شیخ محمدباقر) سپس در بروجرد نزد شیخ محمود طباطبایی به دانش‌اندوزی پرداخت و در حالی که ۲۰ سال داشت سطوح عالی علوم حوزوی را به اتمام رساند (حرزالدین، ۱۴۰۵: ج ۱، ۱۴۴). وی در سال ۱۲۹۷ ق به نجف هجرت کرد و ۲۰ سال در آن‌جا رحل اقامت افکند و از محضر بزرگان بهره‌ها برد (رازی، ۱۳۵۳) و پس از ۲۰ سال تلاش علمی و اندوخته‌های بی‌کران و رسیدن به درجه اجتهاد و اخذ اجازات در سال ۱۳۱۶ ق به زادگاه خویش بازگشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ج ۳، ۵۱۴؛ مرعشی نجفی، ۱۳۷۷: ۶۷).

۱. بنابر یادداشت فرزند علامه بهاری شیخ محمد حسین بهاری معروف به حجت‌الاسلامی در ابتدای یکی از آثار وی، تولد علامه بهاری در روز سی‌ام ذی‌الحجه سال ۱۲۷۵ در بهار همدان بوده است (نک: مرعشی نجفی، ۱۳۷۷: ۶۷).

برخی از اساتید و مشایخ وی در نجف از این قرار است: آخوند خراسانی، ملا حسینقلی همدانی، شیخ حسن مامقانی، علامه نوری، میرزا حبیب رشتی، ملا لطف الله مازندرانی (امین، ۱۴۰۳: ج ۳، ۵۷)، شیخ محمدحسین کاظمی، سید محمدحسن شیرازی، ملا محمد ایروانی، ملا محمد شریانی (تهرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۱)، شیخ محمد طه نجف و ... .

آیت الله بهاری بعد از آن که به وطن بازگشت مورد استقبال مردم قرار گرفت و از همان روزها پیوسته به تبلیغ و ارشاد مردم و نیز تصنیف آثار ارزشمند و خدمت به دین الهی پرداخت (مرعشی نجفی، ۱۳۷۷: ۶۷). پس از درگذشت حاج سید عبدالمجید گروسی (از مجتهدان میرز همدان، ۱۳۱۸ ق) مرحوم بهاری به خواش اهای شهر تصدی مناصب دینی، امامت مسجد جامع و تولیت موقوفات آن را به عهده گرفت و در کنار آن به کشاورزی اشتغال داشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ج ۴، ۷۲۰).

آیت الله بهاری به عنوان یک روحانی انقلابی در نهضت مشروطه در همدان سهمی بسزا داشت و به نفع مشروطه دست به فعالیت‌هایی زد که نتیجه آن برپایی جنبش‌هایی در این باره بود. وی از مشروطه حمایت می‌کرد و ایضاح الخطاء را در همین راستا تألیف کرد. به نظر ایشان بین مشروعه و مشروطه هیچ تعارضی وجود نداشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ج ۳، ۵۱۴). شمع وجود علامه بهاری پس از پنج دهه مجاهدت علمی و اخلاقی در ماه شعبان سال ۱۳۳۳ ق در همدان خاموش شد و در همان جا مدفون گردید (امین، ۱۴۰۳: ج ۳، ۵۳۷).

### تألیفات

علامه بهاری از علمای کثیرالتألیف به شمار می‌رود، وی آثار مهم و ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است. بهاری بیشتر اوقات خود را به تدریس و تألیف می‌گذارند. از او نزدیک شصت کتاب و رساله در موضوعاتی چون فقه، اصول، حدیث، رجال و کلام به فارسی و عربی به جای مانده است. مرحوم بهاری کتابخانه شخصی بزرگی داشت که شامل نسخه‌های نفیس بود. ایشان علاوه بر تألیف، کتب مورد نیاز خود را استنساخ می‌کردند. اکثر نسخه‌های خطی کتابخانه علامه بهاری در بخش مخطوطات کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله نگهداری می‌شود.

آثار بهاری همدانی را به دو بخش تألیفات مهدوی و غیر مهدوی می‌توان تقسیم کرد؛ زیرا به لحاظ عنوان تقریباً یک سوم آثار ایشان به موضوع مهدویت و معارف آن اختصاص یافته که

در نوع خود از جهت کثرت عناوین و محتوای علمی بی‌نظیر است. چرایی توجه وی به موضوع مهدویت نیازمند بررسی دقیق همه آثار مهدوی علامه بهاری است؛ ولی به اجمال می‌توان گفت که اواخر قرن سیزدهم زمان ظهور عقاید و اندیشه‌ها در رابطه با امام زمان علیه السلام است. این اندیشه‌ها و مذاهب عقیدتی موجب تفرقه در صفوف مسلمین را به وجود آورد؛ از جمله این مذاهب انحرافی می‌توان از فرقه شیخیه، باییه و بهائیه نام برد که برخی از نظریه‌های این فرق در خصوص اندیشه مهدویت است و ظاهراً مؤلف از آن‌جا که در متن برخورد با این اندیشه‌های انحرافی بوده (نک: «اصناف توقیت‌کنندگان» در همین نوشتار)، از این‌رو برای تبیین اندیشه صحیح در خصوص امام مهدی علیه السلام به تدوین این آثار رو می‌آورد.

در ادامه فقط به ذکر نام آثار مهدوی بهاری می‌پردازیم:

۱. *أبهی الدر فی تکملة عقد الدر فی أخبار الإمام المنتظر* (عربی)
۲. *إضاءة النور فی الامام المستور* (عربی)
۳. *ایضاح المرام فی امر الامام علیه السلام* (عربی)
۴. *بسط النور فی الامام المستور = ترجمة النور فی الامام المستور* (فارسی)
۵. *جایلقا و جابلسا (جایرسا و جایلقا)* (عربی)
۶. *ذیل کتاب العلائم لاهتداء الهوائم = تکملة کتاب العلائم* (عربی)
۷. *ذیل کتاب النور فی الامام المستور علیه السلام* (عربی)
۸. *الرد علی القصيدة البغدادية* (عربی)
۹. *عصمة الإمام المهدي علیه السلام = الاحادیث* (عربی)
۱۰. *العلائم لاهتداء الهوائم* (عربی)
۱۱. *علائم الظهور = شرح احادیث علائم الظهور* (فارسی)
۱۲. *قامعة اللجاج* (عربی)
۱۳. *کتاب النور فی الامام المستور* (عربی)
۱۴. *مقارنات ظهور الحجة علیه السلام* (فارسی)
۱۵. *الوجيزة فی غیبة الحجة علیه السلام* (عربی)
۱۶. *الوجيزة فی علامات الظهور = تفسیر آیه وقضینا الی بنی اسرائیل* (عربی)
۱۷. *مستدرک کتاب النور فی الامام المستور* (عربی)

از تمام عناوین فوق حداقل یک نسخه و در بیشتر موارد دو نسخه وجود دارد. این نسخه‌ها

در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله و دیگر کتابخانه ها نگهداری می شود (برای آگاهی بیشتر درباره این آثار و نسخ خطی آن، نک: رنجبری حیدری، ۱۳۹۰: ۱۱۱ - ۱۲۴)؛ ولی چهار اثر دیگر - که در ادامه نام خواهیم برد - فاقد نسخه خطی بوده و تاکنون در فهرس نسخ خطی، نسخه ای برای این آثار معرفی نشده است:

۱۸. بعث الأموات قبل ظهور الحجة (تهرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۲؛ همو، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ۳۷۴؛ مرعشی نجفی، ۱۳۷۷: ۷۴)؛
۱۹. جواب منکر وجود صاحب الزمان (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۵، ۱۹۴)؛
۲۰. الرد على منكر صاحب الزمان في هذه الأزمان (همو: ج ۱۰، ۲۳۰)؛
۲۱. استحالة التوقيت (فارسی) (همو: ج ۲، ۱۷).<sup>۱</sup>

### مفهوم شناسی توقیت

واژه توقیت مصدر باب تفعیل از ماده «وقت»<sup>۲</sup>، به معنای تعیین و بیان وقت برای چیزی است.<sup>۳</sup> این واژه به صورت ماضی مجهول در قرآن کریم آمده است:

﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ﴾ (مراسلات: ۱۱)  
و چون پیغامبران را وقت زند.

معنای فعلی ریشه «وقت» متعدی بوده<sup>۴</sup> و واژه «توقیت» در باب تفعیل به همان معنای ثلاثی مجرد کاربرد دارد. کلمه «توقیت» در برخی از ابواب فقهی نیز به همین معنا به کار رفته است (تبریزی، ۱۳۸۱؛ شهید اول، ۱۳۷۷).<sup>۵</sup>

۱. آقابزرگ در نقباء البشر گفته است: پنج عنوان از تألیفات بهاری در سال ۱۳۶۹ ق توسط فرزندش به کتابخانه مدرسه کاظمیه در نجف اشرف وقف شده است. وی می افزاید: علامه بهاری برخی از کتب خود را به برادرش محمدرضا هبه کرده است. امیدواریم این چهار اثر مهدوی جزء این نسخ موقوفه و موهوبه باشد (تهرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۳).
۲. وقت: مقداری از زمان که برای کاری معین شده است. فیومی در مصباح می گوید: «الوقت: مقدار من الزمان مفروض الامر» - قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (حجر: ۳۷ - ۳۸)؛ «گفت: تواز مهلت شدگانی تا روز وقت معلوم که قیامت باشد» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ج ۲۳۲، ۷).
۳. «فَالْتَوْقِيتُ وَالتَّأْقِيتُ: أَنْ يَجْعَلَ لِلشَّيْءِ وَقْتُ يَخْتَصُّ بِهِ، وَهُوَ بَيَانُ مِقْدَارِ الْمُدَّةِ. وَتَقُولُ: وَقْتُ الشَّيْءِ يَوْقُتُهُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۰۸). همچنین در مجمع البحرین آمده است: «الموقوت: المحدود بأوقات معينة، يقال وقته فهو موقوت: إذا بين للفعل وقتا يفعل فيه. والتوقيت للشئ مثله. قوله: ﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ﴾» (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۲۷).
۴. وَقْتُهُ يَقْتُهُ إِذَا بَيَّنَّ خَدَّهُ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۰۸).
۵. برای آگاهی بیشتر می توانید از جست و جوی لفظی نرم افزار «جامع فقه اهل البيت» استفاده کنید.

توقیت در اصطلاح مباحث مهدوی به معنای «تعیین تاریخ برای ظهور یا عدم ظهور حضرت مهدی علیه السلام در تاریخ خاصی» است؛ بنابراین اگر کسی ادعا کرد که امام مهدی علیه السلام تا سال دیگر یا ده سال دیگر ظهور خواهد کرد یا تا ۵۰ سال دیگر ظهور نخواهد کرد، مرتکب توقیت گردیده است. واژه «وَقَاتُونَ» نیز صیغه مبالغه از ریشه «وقت» بوده و در مباحث مهدوی بسیار مورد استفاده است و در بیشتر روایات «نهی از توقیت» به چشم می‌خورد. «وَقَاتُونَ» جمع سالم از کلمه «وَقَات» است. این واژه براساس تتبع نویسنده فقط در منابع مهدوی به کار رفته است. به نظر می‌رسد صدور این واژه از سوی پیشوایان دینی، با توجه به کثرت وقت‌گذاری توسط یک شخص باشد؛ چرا که برخی از اشخاص چندین بار به تعیین وقت پرداخته‌اند. این گونه اشخاص با منقضی شدن اولین وقت تعیین شده و عدم وقوع آن، برای دفاع از خود هم که شده باشد، دست به تعیین وقت دیگری می‌زنند و در ادامه شخص وقت‌گذار مرتکب تعیین وقت‌های دیگر می‌شود. در روایات «نهی از توقیت»، از وقت‌گذاران با واژه «المُوقَّتُونَ»<sup>۱</sup> نیز یاد شده که با توجه به ساختار صرفی آن، در این واژه هیچ دلالتی بر کثرت وقت‌گذاری نیست.

### توقیت در فرهنگ و منابع شیعی

یکی از آسیب‌های جدی جامعه اسلامی به‌ویژه شیعی، وقت‌گذاری برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. این در حالی است که در منابع مهدوی روایات متعددی درباره نکوهش تعیین وقت برای زمان ظهور امام مهدی علیه السلام وجود دارد. کلینی در *الکافی* برای این بحث بابی گشوده است: «بَابُ كَرَاهِيَةِ التَّوْقِيتِ»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۲۴۱)، نعمانی (شاگرد کلینی) در *الغیبه* در بابی با عنوان «ما جاء في المنع عن التوقيت والتسمية لصاحب الأمر» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸) و شیخ طوسی در *الغیبه* در فصل هفتم ذیل بحثی با عنوان «ذكر الاخبار الواردة في أنه لا تعيين لوقت خروجه» (طوسی، ۱۴۱۱)، فیض کاشانی در *الوافی*، در باب ۴۷ با عنوان «کراهية

۱. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است: كَذَّبَ الْمُوقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَلَا نُوقِّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ (طوسی، ۱۴۱۱).

۲. علامه مجلسی در شرح این فقره نوشته است: «أى لظهور القائم علیه السلام وكأن المراد بالكراهية الحرمة إن كان من غير علم» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۷۰). علامه شوشتری نیز چنین عبارتی را آورده است: وقال في باب آخر في الحجة علیه السلام: «باب كراهية التوقيت» مع محظورية تعيين الوقت لخروجه علیه السلام ولأن أخبارا رواها في الباب ظاهرة في الحرمة» (شوشتری، ۱۳۶۴). همچنین ملا صالح مازندرانی در *شرح الکافی* می‌نویسد: «باب كراهية التوقيت، ای كراهية تعيين الوقت لظهور هذا الامر و صاحبه و حمل الكراهة على الظاهر ظاهر و على التحريم فمحتمل» (مازندرانی، ۱۳۸۵: ج ۶، ۳۱۴).

التوقیت و الاستعجال» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۲۶) همچنین علامه مجلسی در بحار الانوار تحت عنوان «باب التمحیص و النهی عن التوقیت و حصول البداء فی ذلک» (مجلسی، ۱۴۰۳) و عوالم العلوم (فی احوال الامام الحجة علیه السلام)، در ضمن بحث از وظایف منتظران در زمان غیبت در باب هفتم با عنوان «باب التمحیص و النهی عن التوقیت و حصول البداء فی ذلک» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۳۲) به نقل احادیث این باب پرداخته‌اند. در بین معاصران، نهاوندی در العبقری الحسان، در «عبقریه دوم از بساط پنجم»<sup>۱</sup> (نهاوندی، ۱۳۸۶: ج ۷، ۲۳ - ۶۰)، حائری یزدی در الزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب در بحثی تحت عنوان «الفرع الحادی عشر: فی کراهیه التوقیت» (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۳۹) و صافی گلپایگانی در منتخب الاثر، بابی با عنوان «فی عدم جواز التوقیت و تعیین وقت لظهوره» (صافی، ۱۳۸۰: ج ۳، ۱۱۲)، به آوردن احادیث نهی از توقیت پرداخته‌اند. موسوی اصفهانی در مکمال المکارم در تکلیف شصت و نه و هفتاد (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۳۸۷ - ۴۱۶) و سید محمد صدر نیز در تاریخ پس از ظهور در باره توقیت بحث کرده است (صدر، ۱۳۸۴).

### تلاش برای تعیین تاریخ ظهور امام مهدی علیه السلام در گستره تاریخ

از دیرباز و حتی از همان دوره‌های نخستین اسلام و مطرح شدن اندیشه مهدویت، پرسش‌هایی در مورد تاریخ ظهور امام مهدی علیه السلام در جامعه دینی آن زمان مطرح بود. سؤال‌های مردم و جواب‌های امامان شیعه علیهم السلام و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص در منابع حدیثی وجود دارد.<sup>۲</sup> بر این احادیث بیفزاییم تلاش گروه‌ها و اشخاص در دوره‌های

۱. نهاوندی در عبقریه سوم (ج ۷، ۹۳ - ۹۴) پنج مورد برای حکمت ترک توقیت ظهور بیان می‌کند.  
 ۲. برای نمونه امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون در اثباتی قرائت قصیده معروف تائیه (مدارس آیات خلت عن تلاوة) توسط دعل خزاعی و پس از قرائت بیتی مربوط به خروج قطعی امام مهدی علیه السلام چنین فرمود: «یا خُزَاعِی! نَظَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيِّنَتَيْنِ فَهَلْ تَذَرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتَى يَقُومُ فَقُلْتُ لَا يَا مَوْلَايَ إِلَّا أَتَى سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمَامٍ مِنْكُمْ يَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا فَقَالَ يَا دُعِيلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاجِدَ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَأَمَّا مَتَى فَأَجَابُنَا عَنْ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُونِكَ؟ فَقَالَ ﷺ: مَثْلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَحِلُّ لَهَا لَوْفَتُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» (صدوق، ۱۳۹۵).

در روایت دیگر چنین آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۹). همچنین در روایتی این گونه آمده است: «عَنْ

مختلف و در جای جای جغرافیای اسلامی را که در مسیر تعیین وقت ظهور امام مهدی علیه السلام صورت گرفته است. در دوره معاصر هم علاقه و انگیزه زیادی برای تعیین تاریخ ظهور مهدویت دیده می‌شود. در سال‌های اخیر هم افراد مختلف و گروه‌ها با گرایش‌های متفاوتی در صدد تعیین وقت ظهور بوده‌اند (برای آگاهی بیشتر، نک: رنجبری حیدر باغی، ۱۳۹۲). مستند جنجالی «ظهور بسیار نزدیک است» یکی از مشهورترین این تلاش‌هاست. پس از بالا گرفتن تب توقیت در سال‌های اخیر کار به جایی رسید که برخی از سایت‌های اینترنتی ایرانی نیز درباره نزدیک بودن ظهور به نظرسنجی روی آوردند (nooreaseman.com). همچنین برخی از پژوهشکده‌های امریکایی نیز در نظرسنجی‌های خود اعتقاد به نزدیک بودن ظهور و بازگشت قریب الوقوع امام مهدی علیه السلام را موضوع نظرسنجی خود قرار دادند (pewforum.org).

### مواجهه با توقیت در میراث مهدوی

متأسفانه تاکنون در منابع مهدوی، درباره چگونگی رویارویی بزرگان، علما، حکومت‌ها و ... در مورد توقیت‌کنندگان (تأیید، تکذیب و ...) مطالب چشم‌گیر به دست نیامده است. با بررسی فهرس نسخ خطی آثاری چند با موضوع توقیت به دست آمد. برخی از این آثار برای تاریخ‌گذاری و توقیت و برخی دیگر در رد مطلق توقیت یا برخی از توقیت‌های صورت گرفته به خامه درآمده است.<sup>۱</sup> در ادامه به معرفی اجمالی و ارائه برخی از اطلاعات به دست آمده از فهرس نسخ خطی و نیز رؤیت برخی از آثار مرتبط با توقیت می‌پردازیم:

۱. رساله‌ای درباره توقیت ظهور امام زمان علیه السلام از عبدالهادی بن رفیع الدین رضوی دلیجانی (سده یازدهم)، به عربی. نسخه خطی این اثر به خط مؤلف موجود است و در سال ۱۰۴۸ ق کتابت شده و در کتابخانه مدرسه فیضیه قم به شماره «۱۹۸۸/۲»، نگهداری می‌شود (استادی، ۱۳۹۶: ج ۲، ۱۶۰). این رساله در رد توقیت و تحریم تعیین وقت ظهور است؛

۲. رساله‌ای در هفت برگ از نویسنده‌ای ناشناخته که در آن توقیت اجمالی و تفصیلی، غیرممکن دانسته شده است. نسخه‌ای از این اثر به شماره «۱۲۳۰۸/۳» در کتابخانه آیت‌الله

أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عليه السلام؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقِثُ وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ عليه السلام: كَذَبَ الْوَقَّاثُونَ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۹).

۱. حقیقت آن است که بسیاری از منابع مهدوی با ارزش در قالب نسخه‌های خطی و چاپ سنگی در گوشه کتابخانه‌ها دور از دسترس مانده و مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. لازم است پس از شناسایی و ارزیابی میراث مهدوی برجای مانده از پیشینیان، به صورت موضوعی منتشر شوند.

مرعشی رحمته الله موجود است؛<sup>۱</sup>

۳. *علائم الظهور والتوقیت*، از مؤلفی ناشناخته به فارسی. متأسفانه آغاز این رساله افتاده است. فهرست نگار بخشی از آغاز افتاده را چنین گزارش می کند:

... و درویش صفت است با وجود آن که از او این قسم آثار به ظهور رسیده هر که خود را از طایفه اهل علم نمی خواند و دعوی مراتبی که سواد خوانان کتب فقهی در این ایام می نمایند نمی کند... اما آن چه در این رساله ذکر فرموده از تعیین سال ظهور حضرت صاحب الامر (صلوات الله علیه) از مقوله توقیت است؛ زیرا که خفائی در این نیست که توقیت آن است که مثلاً گوید من ساعت ....

نسخه این اثر ضمن مجموعه شماره ۴۷۷۶ در مدرسه غرب همدان در ۵۰ برگ موجود است و تاریخ کتابت آن مشخص نیست (روشن و همکاران، ۱۳۵۲: ۱۵۵۰).

۴. *تحفة المستخرجة*، به ترکی عثمانی از احمد حیاتی افندی. این کتاب به قصد ردّ نشانه های قیامت و ظهور مهدی علیه السلام در برخی پیشگویی ها تألیف و به سلطان سلیم سوم تقدیم شده است. این اثر در یک مقدمه و شش بخش ترتیب یافته است (نک: نسخه خطی تحفة المستخرجة). نسخه ای از این اثر (احتمالاً به خط مؤلف) در کتابخانه موزه توطیایی سرای (خزینة، شماره ۱۷۰۱) و نسخه دیگری در کتابخانه سلمیانیه (حاجی محمود افندی، شماره ۴۲۷۴) نگهداری می شود.

بهاری همدانی سه رساله در نقد و بررسی جریان تعیین وقت ظهور به نگارش درآورده است: ۵. *قامعة اللجاج*، به عربی، در ادامه مقاله، اندیشه عدم توانایی بشر بر تعیین زمان ظهور امام مهدی علیه السلام در این مقاله از این اثر علامه بهاری بازخوانی می شود.

۶. *ایضاح المرام فی امر الامام* (درباره حکمت عدم تعیین زمان ظهور، به عربی)، نسخه ای از این اثر به شماره «۳/ ۱۲۳۴۶» در کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله موجود است. مؤلف می گوید: بعد از تألیف کتاب *قامعة اللجاج* شرح صدری بر من حاصل گشت که در باره حکمت عدم تعیین زمان ظهور نکاتی را بیان کنم (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۴۹۹؛ رنجبری حیدریاگی، ۱۳۹۰: ۲۱۴؛ مرعشی نجفی، ۱۳۷۷: ب: ۵).

۱. در فهرست نسخه های خطی این کتابخانه، نام این رساله توسط فهرست نگار محترم، تکلیف زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام تعیین شده است و این نام هیچ تناسبی با محتوای آن ندارد (مرعشی نجفی و همکاران، ۱۳۸۲: ج ۳، ۱۸۰).

۷. / استحالة التوقیت، به فارسی، از آن‌جا که نسخه‌ای از / استحالة التوقیت در دست نیست نمی‌توان با قاطعیت در مورد روش بحث بهاری در آن رساله مطلبی را مطرح کرد. به نظر می‌رسد علامه بهاری این اثر را (با توجه به دیگر آثارش) در محال بودن توقیت و تعیین وقت ظهور حضرت حجت علیه السلام به فارسی نگاشته است. به گزارش آقا بزرگ در الذریعة نسخه خطی این اثر در کتابخانه شخصی مؤلف وجود داشته است (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۱۷)؛ با این وجود تا کنون ظاهراً نسخه یا نسخه‌هایی از این اثر در فهرس نسخ خطی معرفی نشده است.

### معرفی قامعة اللجاج و شیوه بحث مؤلف

مؤلف در آغاز رساله قامعة اللجاج انگیزه خود را مبارزه با بدعت عنوان کرده و چنین نوشته است: «برخی از ابناء زمان بلکه طلاب اقدام به تعیین زمان ظهور حضرت مهدی می‌نمایند در حالی که هیچ سند محکمی در دست ندارند و دلیل‌های آنان جزء دسته ظنون بوده و مشتمل بر رکن استوار علمی نیست». هیچ نشانه و قرینه‌ای برای شناسایی شخص توقیت‌گر در رساله حاضر وجود ندارد و معلوم نیست این شخص چه تاریخی را برای زمان ظهور امام مهدی علیه السلام مشخص کرده و روش او در این کار چه بوده، و در چه شهری سکونت داشته است. همچنین دانسته نیست که این توقیت توسط چه کسی و به چه شیوه‌ای (مکتوب یا شفاهی) به علامه بهاری رسیده. از آن‌جا که بیشتر آثار مهدوی علامه بهاری به چاپ نرسیده و به راحتی دستیاب نیست اطلاعاتی در این زمینه فعلاً وجود ندارد.

بهاری این رساله را بنابر روایات مختلفی که در سال تولد وی نقل شده در ۴۰ یا ۴۲ سالگی و یک سال پس از بازگشت از عراق به زادگاهش تألیف کرده است. نسخه خطی این رساله در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام در قم نگهداری می‌شود (مرعشی نجفی و همکاران، ۱۳۸۲). دیگر مشخصات نسخه مذکور به شرح زیر است: شماره نسخه: ۱۲۳۴۶/۲، خط نسخ، تاریخ کتابت: ۲۸ شوال ۱۳۱۷ ق، محل کتابت: روستای بهار همدان، تعداد برگ: ۱۶ برگ «۴۵-۶۰»، سطور مختلف «۱۹-۱۵»

بهاری در این اثر مطالبی ارزشمند و جالب توجه نیز در موضوعات مختلف مهدوی همچون تشریح دیرزیستی امام مهدی علیه السلام، فلسفه نصب حجت و وظایف حجت و... بحث کرده است. روش بحث علامه بهاری در قامعة اللجاج کاملاً عقلی است و به هیچ وجه از روش نقلی استفاده نکرده است؛ در صورتی که در منابع روایی و مهدوی شیعه روایاتی در نکوهش توقیت وجود دارد تا آن‌جا که به راحتی می‌توان به تواتر معنوی در این موضوع قائل شد. بیشتر کسانی

که پیشتر از علامه بهاری در توقیت اثری نوشته‌اند به این دسته از روایات تمسک جسته و بحث خود را با ارائه دلیل نقلی پیش گرفته‌اند.

مؤلف در این رساله چند بار خواننده را به دیگر آثارش ارجاع می‌دهد. برای نمونه دو بار به *بدر الأئمة فی جفر الأئمة* ارجاع داده، سه بار از *اضاءة النور* یاد کرده و هشت بار هم از *کتاب النور فی الامام المستور* نام برده است. متأسفانه متن رساله سلیس و خوش‌خوان نیست و در جاهایی از متن، نکات اصلی در لابه‌لای عبارات گم شده و فهم عبارات را به دلیل تعقید لفظی بر خواننده دشوار می‌سازد؛ زیرا متن نگارش یافته توسط یک عالم فارس‌زبان نگارش یافته که از لحاظ ادب عربی، بدون تعارف، سست بوده و لطافت و ظرافت زبان عربی در آن رعایت نشده و رساله به زبان معیار نگارش نشده؛ بنابراین نباید از نویسنده رساله، توقع عباراتی روان داشته باشیم و این اثر را به لحاظ زیبایی، سلاست و خوش‌خوان بودن، هم‌پایه امالی سید مرتضی و آثار ابوحیان و جاحظ بدانیم.

بهاری همدانی در آغاز این رساله به نوعی به روش نقد و شیوه بحث خود اشاره کرده و همین مبنا را در ادامه با مستندات توقیت‌کنندگان تطبیق داده و از آن‌جا که این مستندات از نظری حائز شرایط نبوده، مردود شناخته می‌شود. بهاری می‌نویسد:

وقتی توسط گروهی به من خبر رسید که برخی از طالبان علم، تعدی و تعرض بر تعیین زمان ظهور صاحب الزمان، حجت بن الحسن علیه السلام کرده و به وسیله اوهام و ظنون و چیزهایی که علم‌آور نبوده و شبیه بدعت بوده و گمراهی است و موجب اخلال می‌شود تعیین وقت ظهور کرده خودم را ملزم کردم تا به برخی از مبادی شناخت [وقت] ظهور اشاره کنم.

این مبنا همان «نهی از عمل به ظن» است که ریشه در آیات و روایات دارد. طبق این دسته از آیات و روایات هر گفتار، کردار یا تصمیمی که از روی علم نباشد، تحت شمول آن‌ها قرار می‌گیرد و باید از آن پرهیز کرد؛ بنابراین نهی از پیروی از غیر علم، معنی وسیعی دارد که مسائل اعتقادی، گفتار، شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود. در حقیقت الگوی شناخت در همه چیز، «علم و یقین» است، و غیر آن خواه «ظن و گمان» باشد یا «حدس و تخمین» یا «شک و احتمال» هیچ کدام قابل اعتماد نیست و کسی که غیر از این عمل کند، برخلاف این دستور صریح اسلامی گام برداشته است. این مباحث به صورت گستره در کتاب‌های اصول فقه تحت عنوان «قطع و ظن» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از خوانش این رساله و بیشتر از همه،

از مطالعه مقدمه طولانی رساله، به این نتیجه می‌رسیم که اصل اولی در شناخت زمان ظهور و تعیین آن، عدم توانایی انسان در دستیابی به چنین علم و شناختی است. اصناف وقت‌گذاران، علم امامان علیهم‌السلام به زمان ظهور، عدم توانایی شناخت و تعیین زمان ظهور توسط انسان (غیر از نبی و امام)، شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق عموم روایات «علائم ظهور»، شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق روایات «پر شدن جهان از ظلم»، و در نهایت شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق روایات «مشمول بر حسابات جفری» از مباحثی است که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. اصناف توقیت‌کنندگان

بهاری در این رساله توقیت‌کنندگان را به لحاظ تاریخ تعیین شده به دو صنف تقسیم می‌کند. گروه اول که قائل به رسیدن وقت ظهور امام مهدی علیه‌السلام هستند (نسخه خطی *قامعه اللجاج*: برگ ۵۶) و گروه دوم که می‌گویند امام مهدی علیه‌السلام ظهور کرده و از دنیا رفته است. بهاری همدانی درباره گروه دوم چنین می‌نویسد:

این دسته از گمراهان می‌گویند امام مهدی علیه‌السلام ظهور کرده و کشته شده است. اینها نسبت به مآثورات جاهل هستند و در حقیقت منکر اخبارند؛ این دسته نه روایات اهل سنت را دیده‌اند و نه در کتب شیعه نظر افکنده‌اند. نه اوصاف امام را درک کرده‌اند و نه اوصاف نایبان وی را. (همان: برگ ۶۰)

بهاری همدانی بیشتر از این در مورد گروه دوم توضیحی نمی‌دهد و نامی و نشانی از این گروه ارائه نکرده، به دلایل آن‌ها اشاره‌ای نمی‌کند. با توجه به ادعای مهدویت علی محمد باب (۲۷ شعبان ۱۲۶۶ ق) و مرگ وی قبل از تاریخ تألیف این رساله می‌توان حدس زد که صنف دوم توقیت‌کنندگان، مرتبط با ادعای مهدویت، ظهور و سپس مرگ سید محمد علی باب باشد. عبارت «آن‌ها نه اوصاف امام را درک کرده‌اند و نه اوصاف نایبان وی را» نیز اشاره به همین گروهی است که طرفدار باب بوده و به ظهور و سپس مرگ وی باور دارند.<sup>۱</sup>

۱. بابی‌ها از حدیث امام باقر علیه‌السلام خطاب به ابولیبید استفاده می‌کردند که برای خروج میرزا علی محمد، تاریخی بسازند. محمد باقر سیرجانی یزدی معروف به لسان العلماء (م ۱۳۱۸ ق) نیز در رد آن به حدیث امام حسن عسکری علیه‌السلام استناد می‌کند و برای این‌که تاریخ ادعایی بابیه منطبق بر خبر ابولیبید نباشد توجیهات و برخی وجوه ادبی و حساب ابجدی را ذکر می‌کند و به تاریخ ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ می‌رسد و سرانجام، تاریخ اول را متناسب با حدیث نخست می‌داند. البته ایشان در ادامه و در توضیح احتمالات می‌نویسد: «این احتمالات قابل توجه نیست؛ زیرا معصوم تا این اندازه ابهام و اجمال نمی‌فرماید، والا فایده برای فرمودن متصور نیست؛ لهذا احتمال اقوی است که چون سنه

## ۲. بررسی علم معصومان علیهم السلام به زمان ظهور

بهاری عالم بودن به زمان قطعی ظهور را برای غیر خداوند، نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز اوصیای وی محتمل دانسته، چنین می نویسد:

با رسیدن خبری قطعی مبنی بر ظهور امام مهدی علیه السلام در روز خاصی از ماه معینی و در سال مشخصی از جانب کسی که دارای علم وسیع بوده به گونه ای که احتمال تعدد را از بین می برد می توان به تاریخ ظهور رسید. شاید بتوان این علم را برای نبی و اوصیای وی قائل شد؛ زیرا احادیث مربوط به شب قدر در موضوع تقدیر حوادث سال و احیاناً القای آن به امام و زیاد شدن علمشان در آن شب و نیز احادیث «ليلة الجمعة» و... به صراحت بیانگر زیاد شدن و تجدیدپذیر بودن علم آنان و آگاهی بر علومی که پیشتر به آن مطلع نبودند. (همان: برگ ۵۶ پ)

گرچه ایشان در بخش های بعدی رساله خود، همین علم<sup>۱</sup> را هم زیر سؤال می برد:

برای توقیت به وسیله روایات باید اخبار به صورت تفصیلی بوده، اجمالی در آن وجود نداشته باشد. تحقق شرط تفصیلی بودن و نبود اجمال در این دسته از روایات، غیر معلوم یا حتی معلوم العدم است. روایات تجدد علوم اهل بیت علیهم السلام برای آگاهی از حوادث سال و وضعیت شیعیان و عملکرد ظالمان و... بیانگر عدم وجود علم تفصیلی است. (همان: برگ ۵۹ ر)

بنابراین اصل توقیت بر اساس روایات هم در نظر علامه بهاری جایگاهی ندارد. با این حال بهاری همدانی، در این رساله، تعیین زمان ظهور به وسیله روایات را، در چند بخش مورد بحث و بررسی قرار می دهد که در ادامه به ترتیب مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

## ۳. ادله ناتوانی از تعیین زمان ظهور توسط غیر معصوم

بهاری معتقد است شناخت و تعیین زمان ظهور نیازمند احاطه و علم قطعی به مصالح مخلوقات و نظام عالم تا آخر جهان است؛ آن علم قطعی ای که جهلی همراه خود نداشته باشد

۱۳۳۵ تمام شد کار شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله اصلاح و خوب خواهد شد». ایشان پس از استخراج این تاریخ می نویسد: «و جهت اختلاف شاید، سزی دارد که درست معین نباشد؛ مثل این که بگوییم از سنه ۱۳۳۵ تا سنه ۱۳۳۸ ظهور خواهد فرمود؛ تعیین وقتی هم نکرده ایم که فلان ساعت و روز و سال ظهور می فرماید تا مستوجب تکذیب باشیم؛ زیرا با این که بگوییم امید داریم که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸، ظهور خواهد فرمود؛ اگر کسی بگوید کی ظهور می فرماید؟ گوییم: نمی دانم، به او وقتی معین نکرده ام» (سیرجانی یزدی کرمانی، ۱۳۳۴).  
۱. علم امام زمان علیه السلام به زمان ظهور و اقوال مختلف در این باره در مقاله ای با نام «کنکاشی در علم به ظهور» بررسی شده است (الهی نژاد، ۱۳۹۱).

و شامل همه اجزای این عالم انفرادا و اجتماعا گردد و همچنین الزاما مصالح همه اجزای این عالم دانسته شود. آگاهی از زمان «اظهار ناشر العدل» / امام مهدی علیه السلام و باور به رسیدن زمان ظهور در زمانی خاص و عدم تأخیر از آن زمان، تحت شمول این علم است و این علم فقط به خداوند تعلق دارد. استدلالی که بهاری برای این مطلب می‌آورد به طور خلاصه چنین است:

۱. این عالم به سان خانه‌ای واحد است که اجزای آن به هم مرتبط‌اند. خداوند آفریدگانی دارد و تا انقراض عالم، باز مشغول خلق خواهد بود و اوست که شمار مخلوقات، اندازه عمر آنان و تدبیر نظام آن‌ها را می‌داند. خداوند به همه اینها حتی خصوصیات افعال اختیاری بندگان، بدون این که علم او تجدید گردد آگاه بوده، هیچ چیز از او پوشیده نیست. آفرینش همه مخلوقات از آغاز تا انجام به خداوند نسبت داده می‌شود و تفاوت فقط در زمان و نوع خلقت است. به عنوان مثال آدم علیه السلام از خاک آفریده شده؛ عیسی علیه السلام بدون پدر و دیگران به شیوه‌ای دیگر. خلقت یکی دیروز، دیگری امروز و آن یکی فرداست. بنابراین اتفاقات در نظر خدا معلوم است و در خارج با تسلسل زمانی به وقوع می‌پیوندد و عنصر زمان تأثیری در آگاهی و علم خداوند ایجاد نمی‌کند.

۲. بهاری همدانی با استناد به آیات ۱۶ و ۱۷ سوره انبیا<sup>۱</sup> و آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون<sup>۲</sup> تمام افعال خداوندی را مقرون به حکمت و غرض می‌داند و می‌نویسد:

گاهی این غرض فقط با ایجاد یک چیزی حاصل می‌شود و گاهی با انضمام به چیز دیگر؛ به طوری که غرض مد نظر، مترتب بر این دو چیز به شرط انضمام است؛ یعنی اگر دیگری نباشد غرض با شیء اول تأمین نمی‌گردد. البته گاهی هم این غرض با همراهی شیء دوم و سوم حاصل می‌گردد. در حقیقت چیزی که منافات با حکمت دارد این است که فعل بدون فایده و غرض باشد، حتی با فرض انضمام به چیزی دیگر.<sup>۳</sup> حکمت متوقف بر وجود، فایده و غرضی است که اگر حاصل نشود موجب اختلال در خلقت می‌گردد. یعنی فایده مند بودن چیزی فقط به این نیست که فایده را در نفس شیء جست‌وجو کنیم و انضمام به چیز دیگر را در نظر نداشته باشیم. بنابراین در همه مخلوقات پروردگار حکمتی

۱. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ \* لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَآتَخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ».

۲. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ».

۳. نکته جالب دیگری که مؤلف در این مقام به آن اشاره کرده این است که حکمت‌ها و مصالحی که در شریعت برای خلقت ذکر شده، جزء مفردات با علل ناقصه و یا بعض العلة هستند و با اشاره به آیه خلقت جن و انس خاطرنشان می‌سازد که خداوند همه را برای عبادت خلق نکرده است، و الاکافران و گناهکاران را نمی‌آفرید (نسخه خطی قامعه اللجاج: برگ ۴۸ پ).

نهفته است و این فائده و غرض در هر شیء به تناسب آن یافت می‌شود.<sup>۱</sup>

۳. حکمت و غرض خلقت با ارسال رسل و اتمام حجت نمایان می‌شود. برای این که عمده اغراض خالق در این جهان حاصل شود، خداوند حجت‌هایی را نصب کرده است؛ به‌ویژه که قیامتی هم در کار است و مخلوقات هم به اسباب دخول در بهشت و جهنم را نمی‌دانند. بهاری درباره امکان انحراف در امت اسلامی و لزوم نصب حجج و اوصیا را این گونه بیان می‌دارد:

خداوند رسولانی فرستاد و در نهایت آن‌ها را با محمد بن عبد الله ﷺ ختم کرد. پیامبر اسلام از انحراف در امت بیمناک بود؛ زیرا در ارم گذشته نیز این انحراف به منصفه ظهور رسیده بود. به همین دلیل پیامبر سخنانی مبنی بر لزوم شناخت امام بعد از خود بیان داشت و خاستگاه این امامان و تعداد آنان را مشخص کرد.<sup>۲</sup>

۱. بهاری برای نشان دادن کار اصلح به مثالی متوسل می‌شود و می‌نویسد: اگر کسی بگوید فرزندی برایم به دنیا آمد که در خردسالی درگذشت، فرزند دیگر زنده ماند، ولی در ورطه فساد افتاد و زناکار گردید، فرزند سوم زنده ماند و جزء صالحان شد (و این فعل اصلح است)، سؤالی که در این جا مطرح است این است که کدام یک اصلح است؟ مرگ فرزند خردسال یا زنده ماندن فرزند فاسق شدن وی یا دیگری که جزء بندگان صالح شد؟ اگر فرزند خردسال زنده می‌ماند، او هم به سان دو فرزند دیگر یا صالح می‌شد یا فاسق می‌گشت. آیا صلاح در زنده ماندن این طفل بود تا به وقت بزرگ شدن به سرنوشت دو مورد دیگر گرفتار می‌شد؟

اگر بگوییم: مرگ اصلح بوده، چرا جملگی را نمیراند؟ اگر ابقا و زنده ماندن اصلح بود، چرا آن یکی زنده نماند؟ این را می‌دانیم که خیر و صلاحی در زندگی توأم با فجور و فرو رفتن در گناهان - که موجب رفتن در جهنم می‌شود - نیست. بنابراین باید گفت خداوند هر آن چه را که انجام می‌دهد اصلح است: «لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ».

ولی باید دانست که گاهی مصلحت در اصل خلقت است و منافع اختصاصاً به خود مخلوق می‌رسد؛ گاهی منفعت و مصلحت برای والدین مخلوق در نظر گرفته می‌شود؛ گاهی مصلحت برای گروهی خارج از دو حالت قبلی، ولی به واسطه آن‌هاست. همه این‌ها با لحاظ ضرر، توفیق، خذلان یا اجر و... نیز در نظر گرفته می‌شود؛ ولی گوینده مذکور فقط نفس مخلوقات را در نظر گرفته است، ولی توجهی به ارتباط اجزای عالم و مدخلیت هریک در مصالح دیگری نداشته است. زنده ماندن فرزند تا زمان بلوغ و بعد از آن به منظو رعایت حال والدین و نزدیکان فرزند است و نیز به این دلیل است که آن‌ها را در مسائلی مانند تربیت به آزمون بکشد.

همچنین میراندن فرزند می‌تواند ضمن این که در قیامت دارای عوض و جایگزین است می‌تواند به سبب آزمودن صبرشان و شکرشان و جزع آن‌ها، یا موجب یادآوری، بخشش گناهان، یا مؤاخذه خداوندی به دلیل استحقاق صدمه و ضربه بوده باشد یا اصلاً برای مراعات حال آنان در زمان آینده باشد. اما درباره زنده ماندن دو کودک می‌توان سنخ مصلحت در آن را مطابق با اصل اولی ایجاد و نفس ابقا دانست.

۲. بهاری در بیان ادله دیرزیستی امام مهدی ﷺ و غیبت او می‌گوید: طولانی بودن غیبت و استبعاد طولانی شدن زندگی حضرت و زندگی به طریقه غیر عادی و غیر متعارف وی، با دقت در خود دلایل اجمالی وجود اصل امام غایب رفع می‌گردد. وی همچنین می‌نویسد: «همچنین اگر بدانیم غیبت، امری الهی است و خداوند بر همه چیز تواناست، تخلف در احادیث رسول اکرم ﷺ درباره امام مهدی ﷺ محال است، دیگر جایی برای این سؤالات باقی نمی‌ماند». بهاری سپس برای رفع استبعاد به زندگی طولانی اشخاصی مانند اصحاب کهف، عیسی، ادریس و خضر و نیز دجال اشاره می‌کند؛ ولی جزئیات زندگی امام مهدی ﷺ را که حجت خداست و انگیزه‌ای برای نصب او وجود دارد را فقط خدا می‌داند و حفظ امام غایب به دست اوست (نسخه خطی قامعة اللجاج: برگ ۵۳ پ).

۴. عمده یا بیشتر فوائد نصب حجت با نفس وجود مبعوث حاصل است حتی اگر در این میان حجت غایب شود و هر چه قدر هم غیبت او طولانی شود باز ضرری به اصل حجّیت حجت نمی‌زند. همچنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غار مخفی شد با این حال وصف حجّیت وی از بین نرفت. بنابراین «غیبت و حضور» کوتاه باشد یا طولانی، بعد از ظهور دعوت و اظهار آن تأثیری در فوائد نصب حجت ندارد و نفس وجود وی قطع کننده عذر و الزام‌آور خواهد بود. بنابراین اصل وجود کسی که منتشر کننده دعوت باشد در حصول انگیزه نصب حجت، کفایت می‌کند و در حصول قیام به اصل وظایف حجّیت بیش از این به چیزی نیاز نیست.<sup>۱</sup> خداوند در وجود امام مهدی که غایب است اغراض دیگری غیر از امامت و حجّیت قرار داده است و خود آگاه به آن‌هاست؛ همان‌گونه که در جریان مخاصمه حضرت موسی علیه السلام و فرعون و مقابله با نمرود... اهدافی غیر از امامت و حجّیت بود.

۵. وعده ظهور از جانب خداست و تعیین زمان ظهور هم به دست اوست.<sup>۲</sup> زمانی را که خدا تعیین کند تخلف ناپذیر است و به سان دیگر وعده‌های الهی تحقق خواهد یافت. (نسخه خطی قامعة اللجاج: برگ ۴۶ پ - ۵۶)

#### ۴. نقد تعیین زمان ظهور از طریق روایات «علائم ظهور»

تعیین وقت بر پایه روایات نیز دارای اشکالاتی چند است:

۱. اولاً باید روایات به صورت تفصیلی باشد و اجمالی در آن وجود نداشته باشد؛ در حالی که تحقق شرط تفصیلی بودن و نبود اجمال در این دسته از روایات غیرمعلوم یا حتی معلوم العدم است. روایات تجدّد علوم اهل بیت علیهم السلام برای آگاهی از حوادث سال و وضعیت شیعیان و عملکرد ظالمان و... بیانگر عدم وجود علم تفصیلی است.

۲. این دسته از روایات فارغ از اعتبارشان و با چشم‌پوشی از اختلاف فراوانی که وجود دارد جز ظن و گمان چیزی نمی‌افزاید؛ بنابراین ادعای علم از قبل این روایات بعید می‌نماید.

۱. بهاری در ادامه برای تبیین فعالیت‌های تبلیغی شبانه‌روزی و زیاد برخی از پیامبران اشاره کرده و می‌نویسد: دعوت شبانه‌روزی حضرت نوح علیه السلام در سُر و علن و تلاش‌های دیگر انبیا از لوازم منصب نبوت نیست؛ اگرچه به این‌گونه کارها نیز به دلایل دیگر امر شده‌اند (همان: برگ ۵۴ پ).

۲. بهاری در حکمت مخفی ماندن وقت ظهور می‌نویسد: خداوند زمان ظهور امام مهدی علیه السلام را به سان زمان وقوع قیامت پنهان داشته است تا کسی که اعتقاد به تأخر آن دارد فریب خورده و در گناهان غرق نشود. یا اگر ظالمی بداند که قیامت بعد از چند صد سال واقع می‌شود جرأت بر ظلم پیدا نکند؛ در حالی که اگر بداند قیامت زود واقع می‌شود این اعتقاد او را از ظلم کردن دور می‌کند تا دچار فضیحت آتش و عار نگردد (همان: برگ ۵۶ ر).

۳. اختلاف در روایات معتبر (در فرض وجود داشتن)، موجب می‌شود که جزم پیدا کنیم امر ظهور قبل از پیدایش این علائم، واقع نخواهد شد. بنابراین این روایات وقت خاصی را بیان نمی‌کند؛ بلکه تنها حوادث قبل از ظهور را بیان کرده است (همان: ۵۹ ر - ۵۹ پ).

#### ۵. نقدِ تعیین زمان ظهور از طریق روایات «پرشدن جهان از ظلم»

این دسته از روایات در کتب فریقین آمده و از حد تواتر هم گذشته است. نکته اساسی در مورد این روایات مربوط به دلالت آن است؛ زیرا در این روایات دلالتی بر «تعقیب بلا مهلت و ظهور بی‌درنگ» امام بعد از پرشدن جهان از ظلم وجود ندارد؛ و برعکس، تدریجی بودن ظهور و آنی نبودن آن خود نافی این فهم نادرست است؛ بلکه مقصود اصلی از این روایات آن است که ظهور امام مهدی علیه السلام قبل از پرشدن جهان از ظلم واقع نخواهد شد و قطعاً متأخر از آن است؛ بنابراین این دسته از روایات، از بیان مقدار زمان این تأخر ساکت هستند. با این حال شناخت و تعیین زمان ظهور از طریق این روایات متوقف بر اموری چند است:

۱. شناخت قطعی و بدون اشتباه و تخلف همه اقسام قسط و عدل و ظلم و جور و مصادیق آن؛

۲. شناخت تمام مخلوقات عالم و موجود در زمانی خاص در تمام بلاد نزدیک و دور (اعم از ممالک کفر و اسلام و حتی شناخت کسانی که زندگی مخفیانه دارند و یا شناخته شده نیستند) و تطبیق افعال و کردار آنان با مصادیق ظلم و جور و عدل و قسط؛

۳. شناخت اعمال (ظاهر و پوشیده؛ فردی و اجتماعی و...) همه مخلوقات در یک زمان؛ به گونه‌ای که هیچ عملی از آنان پنهان نماند. همچنین شرط است که این اعمال باطل باشند و به دور از صواب. طبیعی است که چنین علم و آگاهی‌ای برای افراد بشر محال است (همان: برگ ۵۷ ر - ۵۷ پ).

#### ۶. نقدِ تعیین زمان ظهور از طریق روایات «مشمتمل بر حسابات جفری»

تعیین وقت ظهور برپایه روایات مشتمل بر حسابات جفری نیز دارای اشکالاتی است؛ از جمله:

۱. تمام شرایط و ایرادهای مربوط به استناد بر روایات که در موارد پیشین مطرح شد در این جا وجود دارد. افزون بر آن، علمای جفر (در شیوه‌های محاسبه و اعداد استخراج شده) اختلافات بسیاری دارند. و این روش محاسبه به هیچ رکن محکم علمی که از سوی خداوند

رسیده باشد مستند نیست؛ زیرا کشف غیب باید توسط خبر مأثور از خداوند باشد؛ بنابراین فرد جاهل به این امور نمی‌تواند راهی برای کشف این غیب‌ها ارائه دهد.<sup>۱</sup>

۲. استناد به عباراتی مانند «سنة یس \* و القرآن الحکیم»<sup>۲</sup> هم صحیح نیست؛ زیرا مجمل است و دانسته نیست به چه دلیلی واژه «سنة؛ سال» را به این آیه اضافه کرده‌اند (همان: برگ ۵۹ پ).

### نتیجه‌گیری

شیوه نقد مستندات توقیت‌کنندگان توسط علامه بهاری عقلی است؛ نه نقلی. پس از بررسی مستندات توقیت‌کنندگان توسط وی معلوم شد که مستندات توقیت‌کنندگان از ارزش علمی و

۱. بهاری پس از توضیح ابن مطلب می‌نویسد: «برخی از مطالب درباره جفر را در کتاب *بدر الأئمة فی جفر الأئمة* بیان کردیم».

۲. حدیثی با این عبارت در منابع حدیثی وجود دارد: «حَدَّثَنِي أَبُو أَيُّوبَ الْمُخْزُومِيُّ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِيرَ الْخُلَفَاءِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا بَلَغَ آخِرَهُمْ قَالَ الثَّانِي عَشَرَ الَّذِي يَصِلِي عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَهُ، عَلَيْكَ بِسُنَّتِهِ وَالْقُرْآنِ الْكَرِيمِ». چیزی که باعث شده است این روایت دستاویزی برای توقیت‌کنندگان باشد وجود چند اختلاف و لفظی موجود در منابع است:

در برخی از منابع به جای «عليك بسنته والقرآن الكريم» عبارت «عند سنة يس و القرآن الحکیم» (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۷۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۱، ۵۳). در حقیقت اختلاف اساسی و علت ورود این حدیث به منابع تفسیری و ادبیات توقیت‌گرایانه ذکر «سوره یاسین» است.

به جای «أبو أيوب المخزومي» نام راوی دیگری «أبو لبید المخزومي» آمده است. این اختلاف لفظی هم سبب شده نام ابو لبید مخزومی در کتاب مهدوی و آثار مرتبط با توقیت پررنگ‌تر شود. در برخی منابع حدیث تا عبارت «یصلی عیسی بن مریم علیه السلام خلفه» وجود دارد. همچنین به جای «سیر الخلفاء» عبارت «اسماء الخلفاء» درج شده است. این در حالی است که مصدر اصلی این حدیث در منابع دیگر، *کمال الدین* شیخ صدوق است و در چاپ *حروفی کمال الدین* (چاپ علی اکبر غفاری) حدیث به شکل فوق آمده است. در حقیقت به علت تصحیف یک روایت، حجمی زیادی از تلاش‌ها معطوف به استخراج تاریخ ظهور شده؛ در حالی که در بسیاری از نسخه این روایت به صورت اصلی خود هم یافت می‌شده (برای اطلاعات بیشتر، نک: صافی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۲۰؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۴، ۴۹۹).

روایت دیگری از ابو لبید مخزومی وجود دارد که از قضا آن هم مشتمل بر حروف مقطعه بوده، از آن روایت هم هر کسی سالی را استخراج کرده و این حدیث نیز در مباحث مهدوی مشهور است: «أَبُو لَبِيدٍ الْمُخْزُومِيُّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَا لَبِيدُ! إِنَّهُ يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِ الْعَبَّاسِ اثْنَا عَشَرَ تَقْتُلُ بَعْدَ الثَّامِنِ مِنْهُمْ أَرْبَعَةً تُصِيبُ أَحَدَهُمُ الدَّبْحَةُ فَيَذْبَحُهُ هُمْ فِتْنَةٌ قَصِيرَةٌ أَغْمَارُهُمْ قَلِيلَةٌ مُدَّتُّهُمْ حَبِيبَةٌ سَبْرُهُمْ مِنْهُمْ الْفُؤَيْسُ الْمَلَقُ بِالْهَادِي وَ النَّاطِقِ وَ الْقَاوِي يَا بَا لَبِيدُ إِنَّ فِي حُرُوفِ الْقُرْآنِ الْمُقْطَعَةِ لَعِلْمًا جَمًّا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ الْم ذَلِكَ الْكِتَابَ فَقَامَ مُحَمَّدٌ ﷺ حَتَّى ظَهَرَ نُورُهُ وَ تَبَثَّتْ كَلِمَتُهُ وَ وُلِدَ يَوْمَ وَلِدَ قَدْ مَضَى مِنَ الْأَلْفِ السَّابِعِ مِائَةٌ سَنَةٍ وَ ثَلَاثَ سِنِينَ ثُمَّ قَالَ وَ تَبَيَّنَتْهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي الْحُرُوفِ الْمُقْطَعَةِ إِذَا عَدَدْتَهَا مِنْ غَيْرِ تَكَرَّرَ وَ لَيْسَ مِنْ حُرُوفِ مُقْطَعَةٍ حَرْفٌ يَنْقُضِي إِلَّا وَ قِيَامَ قَائِمٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ عِنْدَ انْقِضَائِهِ ثُمَّ قَالَ الْأَلْفُ وَاحِدٌ وَ الْأُمُّ ثَلَاثُونَ وَ الْمِيمُ أَرْبَعُونَ وَ الصَّادُ تِسْعُونَ فَذَلِكَ مِائَةٌ وَ إِحْدَى وَ سِتُّونَ ثُمَّ كَانَ بَدُؤُ خُرُوجِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْم اللَّهُ فَلَمَّا بَلَغَتْ مُدَّتُّهُ قَامَ قَائِمٌ وَلَدِ الْعَبَّاسِ عِنْدَ «المص» وَ يَقُومُ قَائِمًا عِنْدَ انْقِضَائِهَا بِ«الر» فَافْتَهُمْ ذَلِكَ وَ عِهُ وَ أَكْثَمُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۰۶؛ همو، ۱۳۸۴: ج ۶۹ - ۷۰).

شایسته‌ای برخوردار نیست. احادیث مورد استناد، معمولاً ضعیف هستند و بر فرض اعتبارشان، بیانی رمزآلود داشته و از ابهام و ابهام برخوردارند؛ بنابراین، معنای صریح و یا ظاهری ندارند و نویسندگان مدّعی تعیین زمان ظهور، بیشتر برداشت شخصی و غیر علمی خویش را بیان می‌کنند که قابلیت اثبات علمی ندارد. علوم غریبه از جمله جفر نیز از مستنداتی است که قابلیت اثبات یا ابطال ندارد؛ گفته‌هایی است که به آگاهی‌های تجربه‌پذیر یا استدلالی، مستند نیست و از این منظر، سخن علمی محسوب نمی‌شود و دلیلی بر واقع‌نمایی علوم غریبه وجود ندارد.

علم و آگاهی این مقوله از دایره شمول علم بشر خارج است و مانند تاریخ وقوع روز قیامت است که غیر از خداوند کسی از آن آگاه نیست و سری از اسرار خداوند دانسته شده است. امام رضا علیه السلام از جدش، رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است:

مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَحِلُّ لَهَا لَوْفَتُهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۳)

امام صادق علیه السلام به ابن فضل فرمود:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهٌ غَيْرُ مُنْكَشِفٍ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۲)

ضمن این که واقع نشدن این تاریخ در طول تاریخ خطا بودن و عدم واقع‌نمایی این مستندات را اثبات می‌کند و نیازی به استدلال جدید برای خطا بودن آن‌ها نیست. بنابراین باید در این زمینه سکوت کرد و تعیین تاریخ ظهور و توقیت دوری جست و تنها باید به وظیفه‌ای که در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام توسط اهل بیت علیهم السلام تعیین شده عمل کرد: معرفت و شناخت امام مهدی علیه السلام، رعایت تقوا و عمل به دستورات دینی و انتظار قیام وی.

امام صادق علیه السلام به زراره فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ؛ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ، لَمْ يَضُرْكْ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۲۴۹)

همچنین فضیل بن یسار می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (اسرا: ۷۱) سؤال کردم؛ فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ؛ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ، لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ؛ وَمَنْ عَرَفَ  
 إِمَامَهُ، ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ؛ لَا،  
 بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ. (كلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۲۵۰)

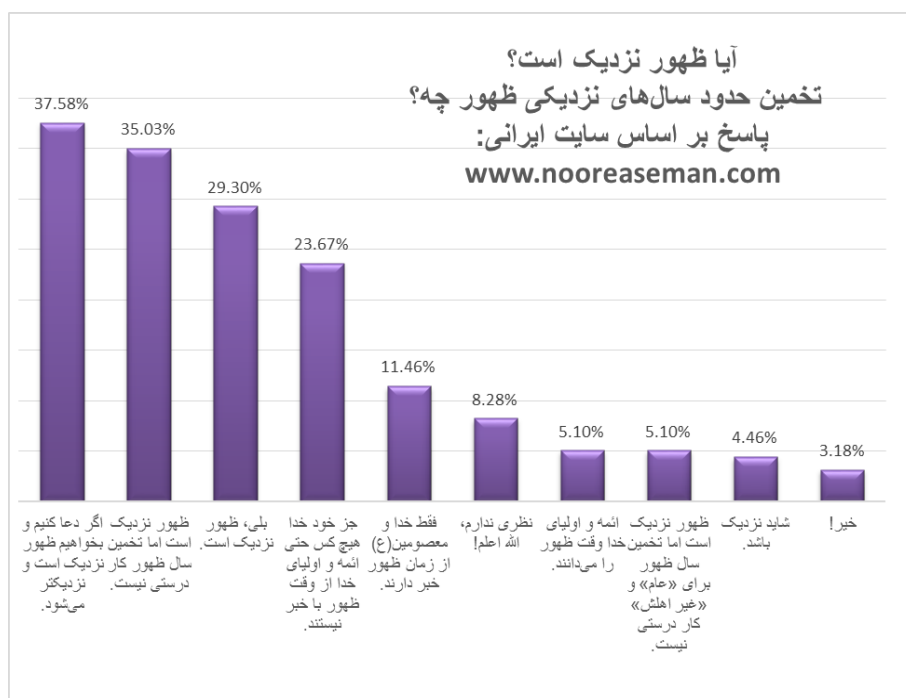
امام جواد علیه السلام درباره وجوب انتظار امام زمان در زمان غیبت و اطاعت وی در زمان ظهور و  
 حضور خطاب به عبد العظیم حسنی می فرماید:

الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وَلَدِي. (صدوق،  
 ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۶)

و قد تبارك و تعالیٰ که حضرت سید الشهدا علی مرتضیٰ را در حق تعالیٰ

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين  
واعنة الله على عدائهم اجمعين الحبيب المديح والجليل  
فيقولون ابا هذا طالب العلوم الدينية وخدمة الاخبار و  
الانار الخيرية المروية في الامر بالشرعية انا والله برهانهم وشييد  
بنيتهم وكوفي الناس امثالهم واتباعهم السالكين منا بهم  
المقتفين انا هم الاخذين بالدين القيم والصراط المستقيم  
محمد باقر محمد جعفر بن محمد كافي بن محمد بن محمد تقى عالمهم  
الله باطمة اجملي والخفي واخبرنيهم وعد الوفي وكشف عنهم

1/11/51



پیوست ۲: نظرسنجی ایرانی سایت (http://www.nooreaseman.com)

## End Times

According to Islamic tradition, the Mahdi will rid the world of injustice and his return – along with the return of Jesus – will precede the Day of Judgment (see Glossary on page 112).<sup>20</sup> The survey asked Muslims in 23 countries whether they expect the Mahdi to return *in their lifetime*. A similar question was asked about the return of Jesus.

### Return of the Mahdi

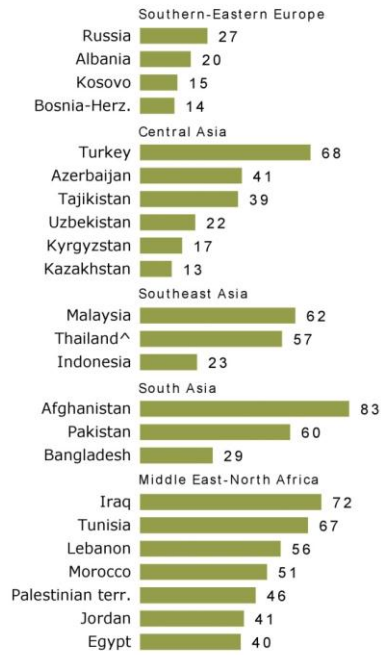
In most countries surveyed in the Middle East and North Africa, South Asia and Southeast Asia, half or more Muslims believe they will live to see the return of the Mahdi. This expectation is most widespread in Afghanistan (83%), Iraq (72%), Tunisia (67%) and Malaysia (62%). It is least common in Bangladesh (29%) and Indonesia (23%).

Outside of these three regions, belief that the return of the Mahdi is imminent is much less prevalent. Across Central Asia, no more than about four-in-ten Muslims surveyed in any country think they will live to see the Mahdi return; the exception is Turkey, where about two-thirds (68%) expect to witness his return. In Southern and Eastern Europe, only about a quarter or less share this expectation.

In some countries with sizable Sunni and Shia populations, views on the Mahdi's return differ by sect. In Iraq, for example, Shias are more likely than Sunnis to expect the Mahdi to return in their lifetime, by an 88% to 55% margin. In Azerbaijan, the difference between the two groups

### Belief in Mahdi's Imminent Return

% who expect Mahdi to return in their lifetime



^Interviews conducted with Muslims in five southern provinces only.

PEW RESEARCH CENTER Q43i.

20 Sahih Muslim 1:293 and Sahih Muslim 41:6931; Sunan Abu Dawud 36:4269.

## منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
- استادی، رضا (۱۳۹۶ش)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم*، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
- اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۷ش)، *مکیال المکارم*، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ هفتم.
- افندی، احمد حیاتی (نسخه ۱۷۰۱)، *نسخه خطی تحفة المستخرجة*، کتابخانه موزه تویقایی سرای، استانبول.
- الهی نژاد، حسین (۱۳۹۱ش)، «کنکاشی در علم به ظهور»، *انتظار موعود*. شماره ۱۲.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، *أعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف، چاپ دوم.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۴۳۲ق)، *عوامل العلوم والمعارف والاحوال (فی أحوال الامام الحجة علیه السلام)*، قم، انتشارات عطر عترة، چاپ اول.
- بهاری همدانی، محمد باقر بن محمد کافی بن محمد یوسف (نسخه ۲/۱۲۳۴۶)، *نسخه خطی قامعة اللجاج*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ق)، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، قم، اسماعیلیان - تهران، کتابخانه اسلامی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق)، *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد، دار المرتضی للنشر، چاپ دوم.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۸ق)، *معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام*، قم، مسجد جمکران، دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ش)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، شهید سعید محبی، چاپ سوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ش)، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ دوم.
- حائری یزدی، علی بن زین العابدین (۱۴۲۲ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، تصحیح: علی عاشور، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- حرز الدین، محمدحسین (۱۴۰۵ق)، *معارف الرجال*، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.

- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- رازی، محمدشریف (۱۳۵۳ش)، *گنجینه دانشمندان*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- روشن، محمد؛ جواد مقصود؛ پرویز اذکایی (۱۳۵۳ش)، *فهرست نسخه های خطی کتابخانه های رشت و همدان*، تهران، فرهنگ ایران زمین، چاپ اول.
- رنجبری حیدریاگی، احمد (۱۳۹۰ش)، «بهار بی خزان؛ کتاب شناسی و نسخه شناسی آثار مهدوی علامه بهاری (علیه السلام)»، *پژوهش های مهدوی*، سال اول، شماره ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ش)، «گزارشی از توقیت ها در گستره تاریخ»، *پژوهش های مهدوی*، سال دوم، شماره ۵.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۱ش)، *الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف*، قم، مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- سیرجانی یزدی کرمانی، محمد باقر بن اسماعیل (۱۳۳۴ش)، *جواهر القوانين*، بی جا، بی نا، چاپ اول.
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۶۴ش)، *النجمة فی شرح اللمعة*، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۷۷ش)، *ذکری الشیعة فی احکام الشریعة*، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق)، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر (علیه السلام)*، قم، مکتبه آیه الله لطف الله الصافی گلپایگانی، چاپ اول.
- صدر، سید محمد (۱۳۸۴ش)، *تاریخ پس از ظهور*، ترجمه: حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر (علیه السلام)، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ش)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیة*، تصحیح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرين*، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران، مکتبه المرتضویه، چاپ سوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین

- علی علیه السلام العامة، چاپ اول.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- قمی مشهیدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تصحیح: حسین درگاهی تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، اول.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ش)، *شرح الکافی*، تهران، المكتبة الإسلامية، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۴ش)، *رجعت*، قم، دلیل ما، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۷۷ش - الف)، «کتابخانه شخصی آیت الله بهاری همدانی (بخش اول)»، *میراث شهاب*، شماره ۱۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ش - ب)، «کتابخانه شخصی آیت الله بهاری همدانی (بخش دوم)»، *میراث شهاب*، شماره ۱۳.
- \_\_\_\_\_ و همکاران (۱۳۸۲ش)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی*، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، مكتبة الصدوق، چاپ اول.
- نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۶ش)، *العقبری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عليه السلام*، تصحیح: حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول.
- «آیا ظهور نزدیک است؟ تخمین حدود سال های نزدیکی ظهور چه؟»، سایت نور آسمان، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۵/۲/۱۰.
- «دیدگاه مسیحیان ایالت متحده درباره بازگشت مسیح»، سایت مرکز تحقیقاتی پیو، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۵/۲/۱۰.
- «مسلمانان جهان: وحدت و تنوع»، سایت مرکز تحقیقاتی پیو، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۵/۲/۱۰.